روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۱۰ رمضان ۱۴۴۱ • ۴ می ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۷۱۱ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۳
اذان صبح فردا ۴:۳۳ • طلوع آفتاب ۶:۰۸

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

عکس: عباس کوثری، شرق

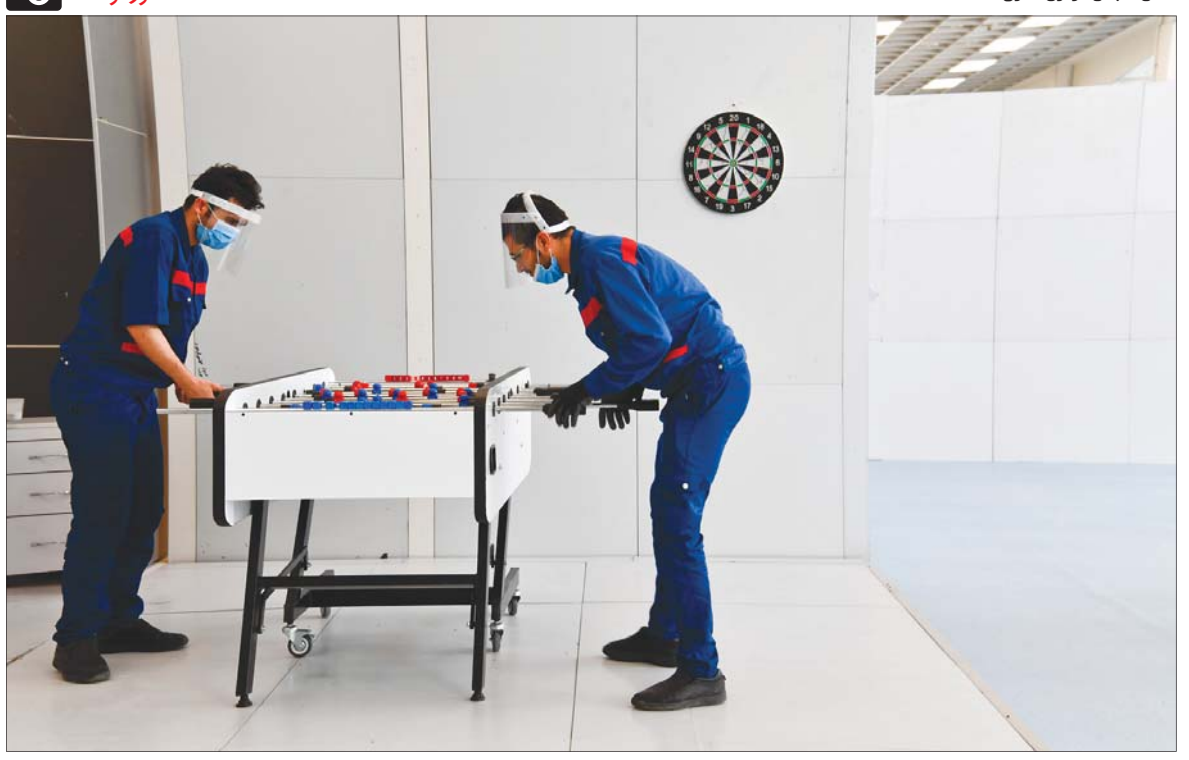

یادداشت

رخ‌پوش به جای شیلد

پرویز اجلالی
جامعه‌شناس

ازآنجاکه در سال‌های اخیر از سویی در بستر ضعف نظام آموزشی در آموزش درست زبان‌های فارسی و انگلیسی و گسترش استفاده از ابزارها و رسانه‌های الکترونیکی و در کنار آن مهاجرت و رفت‌وآمد تعداد زیادی از ایرانیان به خارج از کشور عمده نسل جوان ایرانی که به شیوه‌ای ناقص با زبان خارجی آشنا شده‌اند و آشنایی‌شان با زبان فارسی ناکافی بوده و قادر به ترجمه درست واژه‌های اروپایی (عمدتا انگلیسی) نیستند، شروع به کاربرد واژه‌های انگلیسی به جای واژه‌های فارسی مربوط به زندگی معمولی و نه اصطلاحات علمی و فنی کرده‌اند (مثلا اُکی به جای خوب، تایم به جای وقت، لفت‌دادن به جای خارج‌شدن، دانلودکردن به جای پیاده‌کردن و...). از سوی دیگر پدیده‌ها و کالاهای جدیدی که وارد زبان فارسی روزمره ایرانیان می‌شود، به‌موقع ترجمه نمی‌شود؛ بنابراین ما شاهد جایگزینی سریع و وسیع واژه‌های بیگانه به جای واژه‌های فارسی مربوط به زندگی روزمره هستیم. دراین‌میان آنها که با دانش جامعه‌شناسی زبان آشنایی دارند، می‌دانند پدیده‌ای که متخصصان آن را اضمحلال زبان (Language Obsoles-cence) می‌خوانند، عمدتا ناشی از همین پدیده جایگزینی واژه‌های بیگانه به جای واژه‌های دارای کاربرد روزمره زبان‌های ملی است. این نوع جابه‌جایی یا وام‌گیری وسیع واژه‌ها از زبان انگلیسی که امروزه نفوذ گسترده‌ای یافته، خطر مهمی است که بسیاری از زبان‌های زنده، حتی زبان‌های غنی با تاریخ درخشان را تهدید می‌کند. متأسفانه امروزه فرهنگستان زبان فارسی در مقابل این پدیده که اگر رواج یابد، در آینده نزدیک باعث فراموش‌شدن و ازبین‌رفتن بسیاری از واژه‌های فارسی شده و واژه‌های انگلیسی جای آنها را خواهد گرفت، نه‌فقط کاری نمی‌کند بلکه حتی به اهمیت زبان روزمره و تقدم آن بر زبان علمی و فنی و ادبی برای بقا و مقابله با اضمحلال زبان ملی واقف نیست و با خیال راحت سرگرم تصحیح نسخه‌های کتاب‌های قدیمی یا ساختن معادل‌های کاربردناپذیر برای دانش‌واژه‌های جاافتاده علم زیست‌شناسی است؛ درحالی‌که این یک اصل مهم در جامعه‌شناسی زبان است که رواج اصطلاحات علمی و فنی به زبان بین‌المللی در میان متخصصان هرگز منجر به انحطاط زبان نخواهد شد؛ زیرا این واژگان کاربرد عمومی ندارند و آنچه در بقا و زوال زبان نقش دارد، آن واژه‌هایی است که مردم در زندگی روزمره و در رسانه‌های عمومی (این روزها به‌ویژه تلویزیون‌ها و فضای مجازی) به کار می‌برند.

چه باید کرد؟

قطعا ابتدایی‌ترین کار، دادن هشدار به اقشار تحصیل‌کرده، استادان، معلمان و مسئولان رسانه‌های دیداری و شنیداری و نوشتاری است و دومین کار پیشنهاد به‌موقع واژه‌های فارسی معادل برای پدیده‌ها و کالاهایی است که وارد فرهنگ ما می‌شوند پیش از آنکه واژه اروپایی جا بیفتد و ما سال‌ها پس از جاافتادن واژه اروپایی، پس از آنکه کار از کار گذشت، معادل مناسب را بسازیم و از طریق رسانه‌ها وارد بازار زبان کنیم؛ اشتباهی که سال‌ها کرده‌ایم (مثلا خودرو به‌جای اتومبیل پس از بیش از نیم‌قرن تأخیر و رایانه پس از آنکه همه کامپیوتر را یاد گرفتند و ملکه ذهنشان شد). این یک قاعده کلی است که معادل باید هم‌زمان با آشناشدن عموم با یک پدیده یا حداقل مدت کوتاهی پس از ورود آن توسط رسانه‌ها وارد بازار زبان شود و فقط در این صورت رواج خواهد یافت (مثلا: پوشک، خودپرداز و یارانه که همه به‌موقع ساخته و وارد زبان فارسی روزمره شدند). همه ما باید از این بابت احساس مسئولیت کنیم.

توجه دارید که حدود یک ماه است که کالایی به نام شیلد برای محافظت در مقابل کرونا وارد زندگی ما شده است. این واژه درواقع ترکیب انگلیسی face shield است که در محاوره مکرر خلاصه شده و به صورت شیلد به کار می‌رود. معنای اصلی این واژه سپر است و در معنای مجازی به‌عنوان هر جسم محافظ و جداکننده به کار می‌رود و در زبان انگلیسی نام مناسب و رایجی برای طیفی از کالاهای مشابه است. بیایید همگی به‌جای آن در فارسی از واژه رخ‌پوش یا از ترکیب محافظ صورت که در اثر تکرار خودبه‌خود به محافظ تبدیل خواهد شد، استفاده کنیم. رخ‌پوش به نظر می‌آید معادل بسیار خوبی برای شیلد باشد، زیرا فقط از دو سیلاب تشکیل شده و به اندازه کافی کوتاه است و از نظر آواشناسی هم روان است و به سادگی تلفظ می‌شود. محافظ صورت هم ترجمه طبیعی اصطلاح انگلیسی است. امیدوارم با چاپ این مطلب و پیشنهاد کاربرد کلمه رخ‌پوش یا محافظ صورت به دیگران اقلا به اندازه یک واژه جلوی کاربرد غیرلازم واژه‌های بیگانه را بگیریم و گامی کوچک در راه حفظ توانمندی زبان مادری‌مان برداریم.

تجربه دیگران

از یکدیگر جدا نیستیم

به تازگی شماره دیگری از تایم منتشر شد با عنوان «پیداکردن امید». شماره‌ای که ادوارد فلسنتهال، مدیرعامل و سردبیر تایم، جزئیاتی درباره شکل‌گیری آن و حتی عکس روی جلد آن نوشته است. در این یادداشت ابتدایی آمده است: «مسلما هرگز فکر نمی‌کردیم که چند ماه بعد، سراسر جهان خود را ناگزیر به جست‌وجو برای این وضعیت می‌داند بنابراین برای این شماره از آنان دعوت کردیم تا بینش و چشم‌اندازهایشان را درباره برخی از چالش‌های پیش‌رو در مواجهه با بیماری همه‌گیر کووید۱۹ بیان کنند. بیش از ۵۰ نفر از آنها موافقت کرده‌اند که در این باره مطلب بنویسند؛ از جمله رئیس‌جمهور تایوان، درمورد اقداماتی که ملتش در راستای محدودکردن گسترش این ویروس انجام داده، نوشت (از ۱۴ آوریل تاکنون کمتر از ۴۰۰ مورد تأیید شده). ساندار پیچای، مدیرعامل الفابت گوگل پیش‌بینی کرد که این بحران روش زندگی را به طور دائم تغییر خواهد داد، با انعطاف‌پذیری بیشتر از راه دور و و به شکل سریع‌تری کارها انجام می‌شود و گورباچف پیشنهاداتی برای تجدید نظر در کل مفهوم امنیت جهانی با تأکید بر سلامت انسان استدلال می‌کند. «دن مکسی» دبیر تحریریه این شماره معتقد است «یک پیام واضح از مقاومت و امید وجود دارد». در این شماره آنجلینا جولی، مارگارت اتوود و دالایی لاما نیز مطالبی دارند. جولی در گفت‌وگویی تأکید کرده که بچه‌ها انتظار ندارند پدر و مادرهایشان کامل باشند، از نظر اتوود این زمان بهترین و بدترین زمان است و باید بهترین استفاده را کرد. دالایی لاما نیز تأکید داشته است که نیایش برای مقابله با ویروس کافی نیست. از دالایی لاما رهبر بوداییان جهان در شماره جدید تایم یادداشتی منتشر شده که پیشنهاد داده است: «برای مقابله با کرونا تنها نیایش کافی نیست، شفقت نیز لازم است» او در بخشی از مطلبش می‌نویسد: «بعضی اوقات دوستان از من می‌خواهند با استفاده از برخی قدرت‌های جادویی به برخی از مشکلات جهان کمک کنم. من همیشه به آنها می‌گویم که دالایی لاما قدرت جادویی ندارد. اگر این قدرت را داشتم، در پاهایم یا گلویم، دردی احساس نمی‌کردم. ما هم مانند انسان‌های دیگر هستیم، همان ترس‌ها، همان امیدها، همان بلاتکلیفی‌ها را تجربه می‌کنیم. از دیدگاه بودایی، هر موجود احساساتی با رنج و حقایق بیماری، پیری و مرگ آشنا می‌شود. اما به عنوان انسان، ما این ظرفیت را داریم که از ذهن خود برای جلب خشم و وحشت و حرص و آز استفاده کنیم. در سال‌های اخیر، من بر خلع سلاح عاطفی تأکید کرده‌ام، سعی کنید واقع‌بینانه و صریح بدون هیچ‌گونه سردرگمی ترس یا عصبانیت، چیزها را ببینیم. اگر مشکلی راه‌حلی دارد، ما باید برای یافتن آن تلاش کنیم. ما بودایی‌ها معتقدیم که تمام جهان به هم وابسته‌اند. به همین دلیل است که من اغلب در مورد مسئولیت جهانی صحبت می‌کنم. شیوع این ویروس وحشتناک نشان داده است اتفاقی که برای یک فرد می‌افتد، می‌تواند به زودی بر دیگری تأثیر بگذارد. اما همچنین این نکته را به ما یادآوری می‌کند که یک عمل دلسوزانه یا سازنده - چه کارکردن در بیمارستان‌ها یا فقط رعایت فاصله اجتماعی - می‌تواند به بسیاری دیگر کمک کند. از زمان انتشار اخبار مربوط به ویروس در ووهان، من برای برادران و خواهرانم در چین و هرجای دیگر دعا می‌کنم. اکنون می‌بینیم که هیچ‌کس از این ویروس در امان نیست. همه ما نگران عزیزان و آینده هستیم، همه ما هم نگران اقتصاد جهانی و هم نگران خانه‌هایمان هستیم، اما «نیایش» کفایت نمی‌کند. این بحران نشان می‌دهد که همه ما باید مسئولیت خود را تا جایی که می‌توانیم به بهترین شکل انجام دهیم. ما باید شجاعتی را که پزشکان و پرستاران نشان می‌دهند، با علم ترکیب کنیم تا این وضعیت تغییر کرده و آینده را در برابر چنین تهدیدهایی محافظت کنیم. در این زمانه پرهراس، مهم است که ما به چالش‌های بلندمدت برای کل کره زمین فکر کنیم. عکس‌های فضایی به‌وضوح نشان می‌دهد که هیچ مرز واقعی در سیاره ما وجود ندارد. بنابراین، همه ما، باید از آن مراقبت کنیم و برای جلوگیری از تغییرات آب و هوایی و سایر نیروهای تخریبی تلاش کنیم. این بیماری همه‌گیر به عنوان هشداری است که تنها با مشارکت هماهنگ جهانی به پایان خواهد رسید. همچنین باید به خاطر داشته باشیم که هیچ کس عاری از درد و رنج نیست و دست خود را برای محافظت از دیگرانی که بدون خانه، خانواده و پشتوانه هستند، دراز می‌کنیم. این بحران به ما نشان می‌دهد که ما از یکدیگر جدا نیستیم - حتی وقتی که جدا از هم زندگی می‌کنیم. بنابراین، همه ما وظیفه داریم که با شفقت و دلسوزی رفتار کنیم. من به عنوان یک بودایی، به اصل ناپایداری اعتقاد دارم. سرانجام، این ویروس از بین خواهد رفت، همان‌طور که من در طول زندگی‌ام جنگ‌ها و تهدیدهای وحشتناک دیگری را دیده‌ام که به پایان رسیده است و ما این فرصت را خواهیم داشت که آرامش را به جامعه جهانی برگردانیم. من صمیمانه امیدوارم که همه بتوانند در صلح و آرامش بمانند. در این زمانه عدم اطمینان، مهم این است که ما در تلاش‌های سازنده خود امید و اعتماد را از دست ندهیم».

آکادمی

کرونا و سکته مغزی

سکته مغزی را فراموش نکنیم

بابک زمانی*

از تغییراتی که ویروس قیامت کووید۱۹ در رفتار و کردار ما ایجاد کرد، یکی هم این بود که کارهای بی‌خود، کم‌ضرورت و تجملی ما در همه زمینه‌ها را زدود و همه ما را مجبور کرد بیش از همیشه به واقعیات، به ضروریات و آنچه پیش‌رویمان است، بنگریم و به آن بیندیشیم که «ز تعارف کم کنیم و بر مبلغ بیفزاییم». بسیاری از اعمال یا تعطیل شد یا به تأخیر افتاد. بسیاری از مراجعات به طبیبان متخصص که بیهوده و بدون ارجاع از پزشک دیگری صورت می‌گرفت، دیگر انجام نشد. بسیاری از مراجعات بیمارستان‌ها که عامل واقعیشان اضطراب بود و تنها به دلیل اطمینان انجام می‌شد، در سطحی از اضطراب که کووید آفریده بود، مدفون شد. حتی بیماران مبتلا به سکته مغزی هم تعداد مطلق مراجعاتشان در همه جای دنیا کمتر شده بود که البته این موضوع فقط و فقط به دلیل کاهش همه مراجعات ازجمله موارد خفیف سکته مغزی بود نه مثلا کاهش آمار سکته مغزی به دلیل کرونا! برعکس آنچه در جریان اپیدمی کرونا تعطیل‌بردار نبود و برجسته‌تر هم شد، سکته مغزی حاد بود. حتی در بیمارستان‌هایی که تعداد زیادی از بیماران کرونایی را بستری می‌کردند نیز همسایگان دائمی این بیماران، بیماران سکته مغزی بودند؛ نه‌تنها اینکه به نظر می‌رسید نوعی همراهی بین کرونا و سکته مغزی در یک بیمار واحد هم وجود داشته باشد. گویی کرونا از بین دشمنان سلامتی بشر بیش از هر چیز دست اتحاد به سوی سکته مغزی دراز کرده است. در بسیاری از بیمارانی که با علائم کرونا بستری شده بودند، سکته مغزی شایع‌تر بود؛ بسیاری از بیماران سکته مغزی نیز درعین‌حال به‌سرعت معلوم می‌شد کرونا هم دارند. اینکه این مشاهده به دلیل درگیری وسیع کرونا در بسیاری مناطق بود یا واقعا کرونا باعث سکته مغزی می‌شود، هنوز کاملا معلوم نیست؛ اما قدر مسلم این است که کووید۱۹ مثل هر عفونت دیگری، باعث افزایش التهاب و در نتیجه افزایش انعقاد خون و افزایش آمار سکته مغزی می‌شود. به علاوه، بسیاری از بیماران کووید، درگیری قلبی دارند و این درگیری باعث پرتاب لخته (آمبولی) از قلب به مغز و ایجاد سکته مغزی می‌شود؛ اما مستقل از این دو عامل غیرمستقیم، مشاهداتی هم وجود دارد به نفع اثر مستقیم ویروس بر مغز و سیستم عروقی آن. در اتوپسی روی بیماران درگذشته از کرونا، نشانه‌هایی به نفع التهاب در عروق بدن دیده شده که می‌تواند به نفع بیماری عروق‌ریز باشد؛ اما این تمام داستان نیست؛ چراکه در بسیاری از بیماران، در جریان کرونا، تولید لخته در عروق بزرگ مغز و گردن هم دیده شده است؛ یعنی کرونا باعث افزایش خاصیت لخته‌شدن خون در رگ‌ها می‌شود. این پدیده آخر شایان توجه ویژه‌ای است؛ چراکه افزایش خاصیت لخته‌شدن خون در رگ‌ها، به عوامل دیگری هم ارتباط دارد که در رأس آنها باید به شرایط کم‌آبی بدن اشاره کرد. از آنجا که هر سکته مغزی به تکمیل زنجیره‌ای از عوامل ارتباط پیدا می‌کند، این عامل آخر (کم‌آبی) در جریان اپیدمی کرونا به دلیل اینکه اجتناب‌ناپذیر نیست، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ یعنی اینکه برای کاهش مرگ‌ومیر کرونا باید اجتناب از کار در محیط‌های گرم، تعریق زیاد و اجتناب از کارهای سنگین را هم به فاصله‌گذاری افزود. جای خوشوقتی است که با تلاش‌های انجمن سکته مغزی ایران و وزارت بهداشت، برنامه ملی درمان سکته مغزی حاد (البته با تأخیر بسیار) از چند سال پیش در کشور به راه افتاد و در این زمینه اطلاع‌رسانی حداقلی انجام و بسترهایی آماده شد. صدای سکته مغزی بالاخره شنیده شد. حال با وجود بحران کرونا، یک بار دیگر باید تأکید کرد که اتفاقا از طریق همین ویروس که با دقت کارهای ضروری و غیرضروری ما را از هم تفکیک کرده و دقیقا به دلیل همین ویروس که مرگ‌ومیری بالاتر به جهت سکته مغزی ایجاد می‌کند، باید یک بار دیگر به این صدا گوش داد و امکانات کشور از توانایی‌های مالی افراد و مؤسسات گرفته تا توان اجرائی دولت را در این زمینه به کار انداخت. از سوی دیگر، درمان سکته مغزی حاد که فقط در شش ساعت اول امکان‌پذیر است و به جیب و جنس و زادگاه افراد هم ارتباطی ندارد، مهم‌ترین ملاک و نمایشگر توان اجرائی کشور در جنبه‌های اجتماعی سلامت و آمادگی برای بحران‌های عظیمی نظیر کروناست. از یاد نبریم که در هر حال، کرونا خواهد رفت؛ اما سکته مغزی خواهد ماند!

* عضو هیئت‌مدیره سازمان جهانی سکته مغزی

تلنگر

طلایه‌داران علم

سیدحسن موسوی‌چلک*
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

یکی از روزهایی که نام‌گذاری‌اش برای همه ما بسیار مهم و جذاب است، روز ۱۲ اردیبهشت هر سال است که به عنوان «روز معلم» نام‌گذاری شده و این مناسبت را به همه معلمان خودم از ابتدایی تا دانشگاه و همه معلمان عزیز ایران‌زمین تبریک می‌گویم. روزی که ما را یاد گذشت‌ها و ایثارهای معلم‌هایمان می‌اندازد. این بار برای نوشتن سراغ دفترچه‌ای رفتم که در آن دل‌نوشته‌ها و دغدغه‌هایم را می‌نویسم و متن‌های مرتبط با معلم را از منابع مختلف (که گاهی اوقات هم نمی‌دانم چه کسی نوشته و همین جا از آنان اجازه می‌گیرم) یادداشت می‌کنم و به یاد تمام معلمان عزیزم افتادم که همیشه مدیونشان هستم و در برابرشان سر تعظیم فرود می‌آورم. معلم حامل نور از گنجینه پرفیض هدایت تا سراپرده دل‌های مشتاق است و شاید به همین دلیل است که حبیبمان می‌فرماید: «العلم نور یقذفه‌الله فی قلب من یشاء». بی‌دلیل نیست که خداوند علیم در قرآن مجید به «قلم» سوگند یاد می‌کند و امام علی (ع) در اهمیت مقام معلم این‌گونه می‌فرماید: هر آن کس که آموخت حرفی به من، سزد گر کند بنده خویشتن (من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا). یا در جایی که معلم شهید دکتر علی شریعتی از توتم یاد می‌کند و سوگند می‌خورد، ویژگی و نقش معلم و مقام علم را یادآوری می‌کند. بی‌مناسبت نمی‌بینم که در روز بزرگداشت طلایه‌داران علم یعنی معلمان گذری کوتاه بر این نوشته ایشان داشته باشم؛ به‌ویژه آنجا که می‌گوید: «قلم توتم، من است. توتم ماست. به قلم سوگند. به رشحه خون سیاهی که از حلقومش می‌چکد سوگند، به رشحه خونی که از زبانش می‌تراود سوگند، به ضجه‌های دردی که از سینه‌اش برمی‌آید سوگند. توتم مقدسم را نمی‌فروشم، نمی‌کشم، گوشت و خونش را نمی‌خورم، به دست زورش تسلیم نمی‌کنم، به کیسه زرش نمی‌بخشم، به سرانگشت تزویرش نمی‌سپارم، دستم را قلم می‌کنم و قلم را از دستم نمی‌گذارم، چشم‌هایم را کور می‌کنم، گوش‌هایم را کر می‌کنم، پاهایم را می‌شکنم، انگشتان را بند بند می‌برم، سینه‌ام را می‌شکافم، قلبم را می‌کشم، حتی زبان را می‌برم و لبم را می‌دوزم، اما قلمم را به بیگانه نمی‌دهم. قلم توتم من است. امانت روح‌القدس من است. ودیعه مریم پاک من است. صلیب مقدس من است. بگذار بر قامت بلند و راستین قلمم به صلیبم کشند، به چهارمیخم کوبند، تا او که استوانه حیاتم بوده است، صلیب مرگم شود، شاهد رسالتم گردد، گواه شهادتم باشد، تا خدا ببیند که به نامجویی بر قلمم بالا نرفته‌ام، تا خلق بداند که به کامجویی بر سفره گوشت حرام توتمم ننشسته‌ام، تا زور بداند، زر بداند و تزویر بداند که امانت خدا را، فرعونیان نمی‌توانند از من گرفت، ودیعه عشق را قارونیان نمی‌توانند از من خرید و یادگار رسالتم را بلعمیان نمی‌توانند از من ربود. قلم زبان خداست، قلم امانت آدم است، قلم ودیعه عشق است، هر کسی را توتمی است و قلم توتم من است و قلم توتم ماست». به‌راستی که روز معلم روز تکریم کسانی است که خود را به بیگانه نفروختند و به همین دلیل شایسته بهترین تکریم‌ها هستند. در پایان باز هم می‌نویسم معلمان عزیز و مهربان روزتان مبارک، اندیشه‌تان پویا، تفکرتان زیبا و معلم‌بودنتان مبارک باشد.

همین حوالی

کرونا و دغدغه‌های تشکل‌های مردمی

نبی‌الله عشقی‌ثانی

مؤسسه‌های خیریه را سمن، یعنی سازمان مردم‌نهاد می‌گویند. این بدان معنی است که اساس و بنیان آنها را مردم شکل می‌دهند و با کمک مردم و نیکوکاران منابع مالی‌شان تأمین می‌شود. به خیریه به زبان انگلیسی NGO گفته می‌شود که مفهوم آن «جدا از دولت بودن» است؛ باوجوداین تشکل‌های مردم‌نهاد به کمک دولت می‌آیند تا با حمایت از اقشار آسیب‌پذیر زندگی را برای آنان تحمل‌پذیر کنند و برای توانمندسازی آنان اقدام کنند و باری هم از دوش دولت بردارند. جامعه هدف مؤسسه‌های خیریه مردم فرودست هستند که دهک‌های پایین اقتصادی را شکل می‌دهند. این مردم در تکانش‌های اقتصادی و اجتماعی و اپیدمی‌ها مثل کرونا قبل و بیش از دیگران دچار آسیب می‌شوند و زندگی‌شان به مخاطره می‌افتد، ناچار برای دریافت کمک و حمایت بیشتر به خیریه‌ها متوسل می‌شوند؛ در نتیجه بر مسئولیت و دغدغه تشکل‌های مردمی می‌افزایند. در شرایط فعلی که بیماری کرونا همه فعالیت‌های اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده است، خیران، نیکوکاران و مردمی که منابع مالی خیریه‌ها را تأمین می‌کنند، نیز مانند دیگران امکانات‌شان کاهش یافته و فاقد درآمد کافی برای حمایت از خیریه‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد هستند؛ به‌صورتی‌که منجر به کاهش خدمات و حمایت‌ها شده است. ملاحظه می‌شود که از یک سو مراجعان و متقاضیان دریافت کمک از خیریه‌ها افزایش می‌یابد و از سوی دیگر منابع مالی مؤسسات به‌شدت کاهش یافته؛ بنابراین خدمات خیریه‌ها محدودتر می‌شود و متأسفانه خیل نیازمندان اضافه و اضافه‌تر شده است. سؤالی که پیش می‌آید، این است که اکنون چه باید کرد؟ شاید بهترین شیوه برای ما و همکاران در مؤسسه‌های مردم‌نهاد این باشد که از طریق مدیریت منابع موجود، کاهش هزینه‌های اداری و جاری، همکاری با شبکه‌های مؤسسه‌های خیریه همراه با تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها، از موازی‌کاری جلوگیری کرده و به منابع خرد مشارکت‌های مردمی توجه بیشتر کنیم و از ورود به اجرای طرح‌های کلان و دیربازده بپرهیزیم تا ان‌شاءالله شرایط کرونایی کشور و جهان تغییر کند و گشایش لازم در امور اقتصادی اهل خیر فراهم شود. در شرایط امروزی دولت به‌عنوان مسئول اداره کشور، باید نقطه اتکا و پشتیبان اصلی مردم باشد و انتظار می‌رود قبل از توقف فعالیت خیریه‌ها و در رنج قرارگرفتن بیشتر گروه‌های فرودست با همراهی و مشاوره با کارشناسان، اهل خیر و نیکوکاران راهکاری بیندیشد. دولت می‌تواند سازوکاری برای استمرار خدمات تشکل‌های مردم‌نهاد تبیین کند تا مردم در رنج کمتری قرار گیرند که خود فاقد توان کافی است؛ زیرا زمانی که به موقعیت دولت نگاه می‌کنیم و به شرایط کنونی و عملکرد آن می‌پردازیم، ملاحظه می‌شود که دولت برای پیشگیری از همه‌گیری بیماری کرونا خود دستور تعطیلی بسیاری از مشاغل و کسب‌وکارها را داده است که حدود ۵۰ درصد دهک‌های پایین جامعه را شامل می‌شود. در نتیجه این افراد قادر به پرداخت هزینه‌های اجاره واحدهای کسب‌وکار و منازل مسکونی و دیگر مخارج‌شان نیستند و مستأصل شده و نیازمند حمایت هستند. اگرچه به منظور مداخله و مساعدت در حد منابع و امکانات طرح‌های حمایتی ارائه شده است؛ اما مسئله یک روز و دو روز نیست. باید برای طولانی‌مدت برنامه‌ریزی و اقدام شود. نگرانی اصلی کارشناسان این است که اکنون توجه مردم به روش کارهای خودمراقبتی و بهداشتی برای پیشگیری از بیماری کرونا متمرکز است؛ اما به‌تدریج پیامدهای اقتصادی ویروس کرونا امور روزمره زندگی مردم را مختل می‌کند و اندک اندوخته‌ها صرف و درآمدها قطع می‌شود و احتمال دارد اقتصاد کشور دچار فروپاشی شود؛ بنابراین هشدار و پیشنهاد می‌دهند. همچنان‌که تیم بهداشت و درمان دولت بدون تعطیلی و مجدانه در حال اقدامات برای مبارزه و کنترل بیماری کروناست، تیم اقتصادی دولت هم باید مراقب پیامدهای اقتصادی و تعطیلی بازار کسب‌وکار و توقف تولیدات مورد نیاز کشور باشد؛ زیرا کاهش یا قطع درآمدهای مردم مسئله‌ای جدی است که در آینده نزدیک آثار آن خود را نشان خواهد داد؛ بنابراین ضرورت دارد متولیان این بخش نیز سریعا سازوکارهای مواجهه با این چالش را ارائه دهند.

همچنین دستگاه‌های حمایتی و اجتماعی نیز برای برون‌رفت از چالش‌های اجتماعی در موقعیتی که کشور با آن روبه‌رو است و فقیر و غنی با آن مواجه می‌شوند، باید طرح و برنامه‌های ملی ارائه دهند؛ به‌صورتی‌که همه مردم محفوظ بمانند.

زیر آسمان جهان

ندای اتحاد

اپرا وینفری، مجری مشهور، در خانه‌اش برنامه‌ای ۲۴ساعته با حضور جورج بوش، جولیا رابرتز، یک پدر مذهبی شناخته‌شده و کارآفرین و تعداد دیگری از افراد مشهور برگزار کرد. این برنامه «ندای اتحاد» نام داشت و برای اتحاد و همدلی با مردم در این روزگار کرونازده بود. جولیا رابرتز بخشی از یک کتاب کودک را خواند و دیگری درباره استفاده از مواد مخدر و بازگشت به اعتیاد در این دوران هشدار داد؛ به‌خصوص که در این روزها شایعه عدم ابتلای معتادان به کرونا در همه جهان پراکنده شده است. بازیگر دیگری که در این برنامه شرکت کرده بود گفت که «همه‌گیری این امکان را به جهانیان می‌دهد تا خود را بازیابی کنند» و از مددکاران بهداشت به‌خاطر فداکاری‌های عظیمشان قدردانی کرد. لان ریمز آواز خواند: «یک روز بهتر خواهد آمد». این برنامه‌ها که با تماس با افراد شناخته‌شده همراه بود، آنچنان با استقبال روبه‌رو شد که به روز دوم کشیده شد. بیل کلینتون از دیگر حاضران در برنامه بود که پیام داد: «ما می‌توانیم از این طریق با هم عبور کنیم» و رئیس‌جمهور، جورج دبلیو بوش گفت: «حتی در یک فاصله مناسب اجتماعی، ما می‌توانیم راه‌هایی برای حضور در زندگی دیگران بیابیم تا اضطراب آنها را کاهش داده و در مشکلات آنها شریک شویم». لونگوریا، نوازنده یوماما، به آموزه‌های گاندی اشاره کرد و از مردم خواست که «خودشان تغییری باشند که آرزو دارند در جهان دیده شود». کشیش حاضر در این برنامه که به درخواست اپرا نیایشی را هم اجرا کرد، گفت که انسان صدها سال پیش از دورانی مشابه این گذشته و طاعون را شکست داده است. اپرا از مردم خواست که در برابر هجمه اخبار سعی کنند مقاومت کنند و بیشتر اقدامات مثبت و اخبار خوش را دنبال کنند. این برنامه با هدف آرامش به مردم برگزار شده بود که در رسانه‌های اجتماعی نیز با استقبال روبه‌رو شد و قرار است هرکس ایده‌ای دارد، با عنوان فرصتی برای اتحاد مطرح کند، حتی اگر اهدای یک ماسک به دیگری یا احوال‌پرسی از یک همسایه سالخورده باشد.